

# مقایسه تطبیقی شرکت نسبی در حقوق ایران با شرکت مدنی در حقوق فرانسه

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۱۹

سیدعباس سیدی آرانی\*

## چکیده

مقایسه تطبیقی شرکت نسبی حقوق ایران و شرکت مدنی حقوق فرانسه نشان می‌دهد «مفهوم شرکت»، «قواعد عام حقوق شرکت‌ها» و «شرکت مدنی» در قانون مدنی وجود ندارند. مقررات شرکت قانون تجارت نیز نیاز به بازبینی دارند؛ بنابراین قانون‌گذار باید این مفاهیم را ایجاد، بازبینی و یا سازماندهی کند. مطالعه تطبیقی مقررات باب شرکت قانون مدنی در ریشه‌یابی و حل مسائل کمک شایانی می‌کند. این مقررات در مقام بیان، شرکت اشاعه را تعریف می‌کنند. ماده ۵۷۱ قانون مدنی در این زمینه به اندازه کافی گویاست. ارکان تعریف به کاررفته در آن عبارتند از: وحدت موضوع، وحدت حق اعمال شده و تعدد مالک. در این پژوهش با محور قرار دادن ارکان شرکت، یعنی قصد شریک شدن، قصد سودبردن و آورده، مفهوم شرکت را ایجاد و سپس شرکت مدنی را برپایه‌های آن استوار ساختیم. همچنین با محور قرار دادن «امنیت شخص ثالث» قواعد عامی را برای حقوق شرکت‌ها در قانون مدنی و اصلاحاتی را در قانون تجارت پیشنهاد دادیم. می‌توان با محوریت چنین شخصی قواعد سنتی حقوق قراردادها را تخصیص زد.

**واژگان کلیدی:** شخص ثالث، شرکت مدنی، شرکت تجاری، حقوق عام شرکت، سازماندهی شرکت.

## مقدمه

بهره‌گیری از آورده‌های حقوق تطبیقی کمک شایانی به ریشه‌یابی مسائل حقوق ملی و رفع آن‌ها می‌کند. در قانون مدنی مقرراتی راجع به شرکت مدنی وجود ندارند. حقوقدانان نیز در صدد چاره‌جویی برنیامده‌اند و به مقررات مبحث مضاربه، مزارعه، مساقات و شرکت موضوع ماده ۵۷۱ قانون مدنی و نیز حاکمیت اراده ماده ۱۰ قانون مدنی بسنده کرده‌اند. به‌باور برخی، شرکت مدنی در دو معنای عام و خاص در قانون مدنی به‌کار رفته‌است؛ این شرکت در معنای عام به هر نوع قراردادی اطلاق می‌شود که طرفین سرمایه و یا کار خود را به‌کار می‌گیرند تا به سود مشترک دست‌یابند. این نوع شرکت عقود معین و نامعین یادشده را در برمی‌گیرد. عقد شرکت در معنای خاص در ماده ۵۷۱ قانون مدنی تعریف شده‌است. در این مورد اشاعه محوری‌ترین جزء تعریف است؛ اما در تعریف شرکت مدنی به معنای عام اشاعه ضرورت ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۶). برخی نیز شرکت مدنی را برپایه نهادهای یادشده و ماده ۲۲۰ قانون تجارت بنا می‌نهند. ایشان برای سازگاری نهادها استثنای فراوانی بر قانون مدنی وارد کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در مواردی جای اصل و استثناء عوض شده‌است (کاشانی، ۱۳۸۸، صص ۱۲۸-۵۷).

هرچند ردپایی از شرکت در برخی از این نهادها هست، ولی آن‌ها شرکت به معنای واقعی نیستند و ارکان ویژه قرارداد شرکت و شخصیت حقوقی در آن‌ها نیست. سوای اینکه در جای خود ثابت شده است که در قانون مدنی اختلاطی میان دو مفهوم شرکت و اشاعه وجود دارد (سیدی آرانی، ۱۳۹۲)؛ در واقع مواد ۵۷۱ به بعد قانون مدنی در مقام بیان شرکت به تعریف اشاعه می‌پردازند. در این شرایط نمی‌توان هیچ یک از شرکت‌های تجاری را با این مقررات تعریف کرد. درست نیست گفته‌شود «شرکت نسبی با تعریفی که قانون مدنی از شرکت دارد مطابقت دارد» (ستوده تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲)؛ وانگهی باید به سرانجام تمام تلاش‌ها برای بنیان‌گذاری شرکت مدنی برپایه این مقررات تردید کرد؛ بنابراین همچنان این پرسش مطرح است که واقعیت شرکت مدنی چیست.

مقایسه تطبیقی شرکت نسبی حقوق ایران و شرکت مدنی حقوق فرانسه در سه

مرحله تشکیل، حیات و پایان ضمن اینکه خط پایانی است بر پنداری که برابر آن شرکت مدنی در سیستم حقوقی ایران هست، تأکیدی است بر اینکه در قانون مدنی مفهوم شرکت نیست و سوای اینکه نقص یکسری از مقررات حاکم بر شرکت تجاری ایران را نیز هویدا می‌کند مفهوم شرکت مدنی را هم روشن می‌کند. شرکت نسبی برای مقایسه‌گزینش شده‌است، چون برخی از ویژگی‌های شرکت مدنی فرانسوی را دارد: مسئولیت شرکای آن نامحدود، ثانوی و مشترک است (مواد ۱۸۳ و ۱۸۶ قانون تجارت) و ملاحظات شخصی نیز بر آن حاکم است (برای شناخت ویژگی‌های شرکت مدنی حقوق فرانسه، ر.ک: Lefebvre, 2011-2012, p. 15). به‌علاوه، این شرکت تنها شرکت تجاری است که از حقوق فرانسه گرفته نشده است و ریشه در مقررات اسلامی دارد و به این ترتیب مشخص می‌شود حتی نمی‌توان این شرکت را برپایه‌های لرزان قانون مدنی قرارداد.

## تشکیل شرکت

حقوق ایران از نبود مفهوم شرکت رنج می‌برد. این وضعیت مشکلاتی را برای شرکت‌ها، از جمله شرکت نسبی به وجود می‌آورد. پیش از بیان شرایط ماهوی تشکیل شرکت‌های موردنظر، مفهوم شرکت را تبیین می‌کنیم.

### ۱. مفهوم شرکت

قانون تجارت تعریفی از شرکت تجاری ارائه نمی‌کند. در واقع، قانون تجارت ایران از قانون تجارت فرانسه اقتباس شده‌است و این قانون شرکت تجاری را تعریف نمی‌کند؛ زیرا قانون مدنی فرانسه شرکت را تعریف می‌کند. ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «برای تشکیل شرکت دو یا چند شخص با قراردادی توافق می‌کنند تا اموال یا خدماتشان را به منظور تقسیم منافع حاصله یا بهره‌مندی از صرفه‌جویی (در هزینه‌ها) به یک فعالیت مشترک اختصاص دهند. شرکت ممکن است، در صورت پیش‌بینی قانون، به موجب اراده یک شخص ایجاد شود. شرکاء متعهد می‌شوند در زیان‌های شرکت نیز سهام شونند». نویسندگان فرانسوی از شرکت دو امر را استنباط می‌کنند:

قرارداد شرکت و شخصیت حقوقی که متعاقب این قرارداد به وجود می آید.

### ۱-۱. قرارداد شرکت

شرایط ویژه قرارداد شرکت، که از ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه استنباط می شوند، عبارتند از: قصد شریک شدن، آورده و قصد سود بردن و شرکت در ضرر ( CE, 13 mars 1998).

**قصد شریک شدن:** برای بیان قصد شریک شدن از اصطلاح لاتین *Affectio Societatis* استفاده می شود. این عبارت در تعریف ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه نیامده است؛ با وجود این، نویسندگان حقوقی آن را رکن تشکیل دهنده قرارداد شرکت می دانند. برخی آن را به «فعالیت مشترک» ماده ۱۸۳۲ و «منفعت مشترک» ماده ۱۸۳۳<sup>۱</sup> قانون مدنی مرتبط می کنند. دیوان عالی کشور فرانسه آن را به این صورت تعریف می کند: «قصد همکاری کردن برپایه تساوی برای تحقق پروژه مشترک» ( Cass. Civ, 2010).

قصد شریک شدن در شرکت های متشکل از حداقل از دو شریک سه نقش ایفاء می کند:

۱. وجود قرارداد شرکت را اثبات می کند؛ برای نمونه قصد شریک شدن می تواند دلیل وجود شرکت عملی باشد. می دانیم که شرکت عملی شرکتی است که شرکا شرکت خود را علنی نمی سازند، منتهی وجود شرکت از عملکرد آنها استنباط می شود.

۲. قرارداد شرکت را قابل استناد می سازد؛ برای نمونه شرکت مخفی شرکتی است که در آن برخی از شرکاء عنوان شریک را به حساب شخص دیگری یدک می کنند. در این شرکت ها شخصی که نام خود را قرض می دهد، شخصا مسئول است؛ اما اشخاص ثالث می توانند به مخفی کاری علیه شریک مخفی نیز استناد کنند. همچنین ایشان می توانند به استناد مخفی کاری علیه قائم مقام شریک

---

۱. ماده ۱۸۳۳ قانون مدنی فرانسه مقرر می کند: «هرشرکتی باید موضوع قانونی داشته باشد و در جهت منفعت مشترک شرکاء تشکیل شود».

مخفی اقدام کنند.

۳. قرارداد شرکت را از قراردادهای دیگر متمایز می‌کند؛ در واقع قصد شریک شدن اثبات می‌کند که قرارداد ادعایی شرکت، قرارداد دیگری است؛ همچنین قصد مزبور وجود شرکت عملی را اثبات می‌کند ( Le Cannu et al., 2012, p. 59).

آورده: شریک مال یا خدمتی را به شرکت اختصاص می‌دهد و در مقابل حقوق شرکتی می‌گیرد. بدون آورده شرکتی وجود ندارد (ماده ۳-۱۸۴۳ قانون مدنی فرانسه). شرکاء با آورده به طور واقعی قرارداد شرکت را تایید می‌کنند و اراده خود را مبنی بر ملحق شدن به شرکت آشکار می‌سازند؛ بدین ترتیب شرکاء قصد شریک شدن را امضاء می‌کنند و تحقق فعالیت مشترک، یعنی موضوع شرکت را ممکن می‌سازند. این بدان معناست که این رکن قرارداد شرکت ارکان اختصاصی دیگر شرکت را به نوعی در خود جای داده است. اهمیت آورده هنگامی بیشتر می‌شود که سرمایه شرکت از ارزش کامل آورده به وجود می‌آید. تمام این واقعیت‌ها سرسختی قانون‌گذار فرانسه را توجیه می‌کند: اگر آورده نباشد، شرکتی وجود ندارد (م ۱۰-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه؛ Cozian et al., 2012, p. 66).

آورده‌های اختصاص داده شده به شرکت مدنی متفاوت است: نقدی، غیرنقدی و صنعت. منتهی عوض آورده‌های متفاوت یکسان است: سهم‌الشرکه یا سهام. مالکیت هر آورده‌ای به شرکت منتقل نمی‌شود. بهترین نمونه آورده صنعت است. این آورده به معنای تعهد به فراهم‌ساختن خدمت و کار در گروه است ( Le Cannu et B., 2012, p. 125-126).

در ایران آورده صنعت در شرکت‌های تجاری، از جمله شرکت نسبی به رسمیت شناخته شده است (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۸؛ ستوده تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۹). باید قانون‌گذار رژیم و سهامی ویژه به چنین آورده‌ای اختصاص دهد. این سهام، برخلاف سهم‌الشرکه معرف آورده‌های نقد یا غیرنقد، در ایجاد سرمایه شرکت نقشی ندارد و قابل واگذاری نیز نیست و اگر دارنده آن‌ها عنوان شریک خود را از دست بدهد، باطل می‌شود. در حال حاضر، در ایران به آورنده صنعت سهم‌الشرکه داده می‌شود. درست

است که اگر آورنده صنعت از شرکت جدا شود، حقی نسبت به منافع ندارد؛ اما آورده‌های وی به صورت خودکار باطل نمی‌شوند. اگر دارنده این آورده‌ها پس از جدایی از شرکت از منافع بهره‌مند شده باشد، می‌توان دعوی «استیفای ناروا از مال یا عمل دیگری» علیه وی اقامه کرد.

هدف منفعت بردن و سهم شدن در زیان: نتایج شرکت به طور طبیعی نامشخص هستند (نفع یا ضرر). هرچند ماده ۱۸۴۴-۱ قانون مدنی فرانسه تقسیم نفع یا ضرر را به نسبت آورده پیش‌بینی می‌کند، اما این قاعده آمره نیست و شرکا می‌توانند در اساسنامه روشی برای تقسیم نابرابر آن‌ها پیش‌بینی کنند؛ البته شرط شیرینی (Clause léonine) کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. منظور شرطی است که تمام منفعت را به یک شریک اختصاص می‌دهد، یا اینکه وی را از ضرر معاف می‌دارد (ماده ۱۸۴۴-۱ قانون مدنی فرانسه؛ Cozian et al., 2012, p. 77).

ارکان شرکت ماده ۵۷۱ قانون مدنی ایران عبارتند از: تعدد مالک، وحدت موضوع و وحدت حق اعمال شده. اشاعه شکلی از مالکیت است؛ ولی شرکت قراردادی است ویژه که با موضوع و هدفش شناخته می‌شود. موضوع شرکت اختصاص اموال به یک فعالیت گروهی و هدف شرکت تقسیم سود است (Deboissy and Wicker, 2000, n° 11). این دو مفهوم با سازماندهی به یکدیگر نزدیک می‌شوند؛ اما بر یکدیگر منطبق نمی‌شوند.

اشاره به یکی از ارکان ویژه قرارداد شرکت در این زمینه بسنده است: آورده صنعت. این آورده رکن تشکیل‌دهنده شرکت است، ولی در اشاعه مطرح نمی‌شود؛ در واقع به باور مشهور فقها آورده صنعت در اشاعه باطل است؛ هرچند برخی از ایشان این آورده را در اشاعه صحیح می‌دانند. در مقابل آورده صنعت سهامی به آورنده تعلق می‌گیرد و به وی عنوان شریک داده می‌شود؛ به این صورت او حق امضا، نقشی در تصمیمات جمعی و نیز حقی نسبت به منافع پیدا می‌کند. در مقابل وی مکلف است در زیان احتمالی نیز سهم شود. آورده صنعت با اشاعه ناسازگار است؛ چون عنوان شریک در اشاعه وقتی داده می‌شود که شخص مورد نظر مالک سهمی از مال مشاع باشد و آورنده صنعت چنین عنوانی پیدا نمی‌کند؛ حضور آورنده صنعت در گروهی که از مال مشاع

بهره‌برداری می‌کنند، مستلزم این است که به آن گروه عنوان شرکت داده شود و نه اشاعه.

## ۱-۲. شخصیت حقوقی شرکت

شخصیت حقوقی امتیازاتی برای شرکت به ارمغان می‌آورد. در حقوق ایران زمان اعطای آن محل اختلاف است.

امتیاز داشتن شخصیت حقوقی: شرکت دارای شخصیت حقوقی با امکان سازماندهی فعالیت وضعیت بهتری نسبت به سازمان فردی دارد. این وضعیت امتیازاتی برای شرکت به ارمغان می‌آورد. نخست مدیریت فعالیت: در واقع سازمان فردی فاقد وجود حقوقی جداست. شرکت با شخصیت حقوقی خود بدان لباس حقوقی مناسب می‌پوشاند. شرکت ساختار ضروری مدیریت را با سازماندهی قدرت فراهم می‌کند. دوم جداکردن سرمایه‌ها: در واقع شرکت با شخصیت حقوقی بین سرمایه شرکت و سرمایه شریک جدایی ایجاد می‌کند. سوم واگذاری آسان مجموعه: به این صورت واگذاری سهام شرکت بین شرکا و یا به اشخاص ثالث آسان می‌شود؛ زیرا واگذاری سهم‌الشرکه یا سهام آسانتر است تا واگذاری کل مجموعه فردی؛ همچنین شرکت واگذاری مجموعه به دلیل فوت شریک را نیز آسان می‌کند؛ چون با فوت مبادرت‌کننده فردی، مجموعه تحت تصدی وی به حالت اشاعه درمی‌آید و مدیریت آن مشکل می‌شود؛ اما اگر از مجموعه به شکل شرکتی بهره‌برداری شود، با فوت شریک، سهم وی به وراثت واگذار می‌شود و نه کل مجموعه و مدیریت آن آسان می‌شود.

شخص حقوقی قابلیت دوام دارد. برخی به خوبی خلأهای نهاد فردی و امتیازات شرکت را خاطرنشان کرده‌اند: «از آنجا که نهاد حقوقی فردی به شدت وابسته به شخص مالک آن است، شکنندگی مادرزادی دارد. این نهاد حقوقی بی‌استخوان است و وجود حقوقی خاصی ندارد. شرکت با شخصیت حقوقی به او لباس حقوقی مناسب می‌دهد. شخصیت حقوقی با سازماندهی چگونگی اعمال قدرت ساختار لازم مدیریت برای آن را فراهم می‌کند» (Cozian et al., 2012, p. 12). قرارداد مضاربه، مزارعه و مساقات قانون مدنی ایران از شخصیت حقوقی بهره نمی‌برند.

زمان اعطای شخصیت حقوقی: شرکت‌های تجاری از جمله شرکت نسبی به محض تشکیل از شخصیت حقوقی بهره‌مند می‌شوند (ماده ۵۸۳ قانون تجارت). هیچ تشریفاتی مانند ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها برای برخورداری از این شخصیت الزام‌آور نشده‌است؛ به همین دلیل تاریخ بهره‌مندی از این شخصیت در انواع مختلف شرکت‌ها متفاوت و در مواردی مبهم است. در یک مسئله تردید نیست: شرکت از زمان انعقاد قرارداد شرکت ایجاد نمی‌شود. «انعقاد قرارداد شرکت به خودی خود به معنای تشکیل سرمایه جمعی نیست و تا عملاً چنین سرمایه‌ای تشکیل نشود، تعهد مستقلی برای شرکت ایجاد نمی‌شود» (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۰-۴۹)؛ به همین دلیل تاریخ تشکیل شرکت برابر نوع شرکت متفاوت است. قانون تجارت تاریخ تشکیل برخی از شرکت‌ها را مشخص می‌کند. شرکت نسبی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی پرداخت و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز ارزیابی و تسلیم شده باشد؛<sup>۱</sup> اما این قانون تاریخ تشکیل برخی از شرکت‌ها را مشخص نمی‌کند. در مورد این شرکت‌ها، به قطعیت نمی‌توان تاریخ تشکیل شرکت را مشخص ساخت (عرفانی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۲؛ پاسبان، ۱۳۹۵، ص ۲۱).

پیش از اصلاح قانون مدنی فرانسه با قانون چهارم ژانویه ۱۹۷۸، شرکت مدنی ویژگی «پنهانی» داشت. با قانون اخیر وضعیت اصلاح شد. یکی از ابتکارات اصلی اصلاحیه، علنی شدن شرکت مدنی است (Le Cannu et Dondero, 2012, p. 42). شرکت مدنی باید در اداره ثبت تجارت و شرکت‌ها ثبت شود و از تاریخ ثبت از شخصیت حقوقی برخوردار می‌شود (بند ۱ ماده ۱۸۴۲ قانون مدنی فرانسه). تقویت حمایت از اشخاص ثالث پیامد وضعیت جدید است. از این پس می‌توان با اطمینان تاریخ ایجاد شخصیت حقوقی شرکت مدنی را اعلام داشت (ماده ۱۸۴۲ قانون مدنی فرانسه). پیش‌تر شرکت مدنی از زمان تشکیل، یعنی از زمان انعقاد قرارداد شرکت، از شخصیت حقوقی بهره می‌برد؛ اما به جهت پنهانی بودن آن، در مورد تاریخ دقیق ایجاد شخصیت حقوقی آن تردید وجود داشت (Corlay, 1981, p. 246).

۱. ماده ۱۱۸ ق ت که به موجب ماده ۱۸۵ آن بر شرکت نسبی نیز اعمال می‌شود.

## ۲. شرایط ماهوی تشکیل شرکتهای مورد نظر

به دلیل اهمیت شرایط ماهوی به بیان آنها بسنده می‌کنیم.

### ۲-۱. شرکا

در حقوق ایران برای تشکیل شرکت باید کمینه دو شریک وجود داشته باشند. شرکت تک‌شریکی رسمیت ندارد.<sup>۱</sup> در صورت اجتماع سهم‌الشرکه در دستان یک شریک، شرکت خودبه‌خود منحل می‌شود و از این حیث تفاوتی بین انواع مختلف شرکت‌ها نیست (ستوده تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶). مرجع صالح برای ثبت شرکت‌ها شرکت را منحل تلقی می‌کند. این وضعیت هنگامی اتفاق می‌افتد که شرکت نسبی بین دو شریکی ایجاد می‌شود که یکی وارث دیگری باشد. اگر شریک دوم فوت کند، شریک اول به‌عنوان دارنده تمام سهم‌الشرکه شرکت شناخته می‌شود؛ اما اگر شرکت نسبی بین دو شریکی تشکیل شود که بین آنها رابطه وراثتی وجود ندارد، شرکت با شریک زنده و وارث شریک متوفی ادامه می‌یابد، اگر شرکا در اساسنامه به این ترتیب تصمیم گرفته باشند و وارث شریک متوفی نیز موافقت کنند که شرکای شرکت شوند (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۱۵۱ و ۱۵۸).

شرکت مدنی نیز کمینه از دو شریک تشکیل می‌شود. در مواردی سهم‌الشرکه چنین شرکتی در دستان یک شریک قرار می‌گیرد. این وضعیت متعاقب واگذاری یا فوت اتفاق می‌افتد. برابر ماده ۱۸۴۴-۵ قانون مدنی فرانسه، هیچ‌گاه شرکت به این دلیل منحل نمی‌شود؛ با وجود این ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را بخواهد؛ البته اگر وضعیت پیش‌آمده تا یک سال اصلاح نشود. در عمل ممکن است با گذشت یک سال اصلاح صورت نپذیرد؛ ولی شرکت به فعالیت خود ادامه دهد. بند ۱ ماده ۱۸۴۴-۵ قانون مدنی فرانسه پیش‌بینی می‌کند: «دادگاه می‌تواند با مدت زمان شش ماه برای اصلاح وضعیت

۱. به‌باور حسن ستوده‌تهرانی، «قانون مدنی ایران شرکت را اجتماع حقوق مالکین متعدد تعریف کرده‌است و از مضمون قانون تجارت همکاری چند نفر برای تشکیل شرکت مستفاد می‌شود» (حسن ستوده‌تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶). یادآوری می‌کنیم نمی‌توان از مقررات باب «شرکت» قانون مدنی برای استدلال در زمینه شرکتهای تجاری قانون تجارت بهره‌برد.

در شرکت موافقت کند. دادگاه نمی‌تواند انحلال را اعلام کند، اگر در زمان تصمیم‌گیری در خصوص ماهیت دعوی، اصلاح صورت پذیرفته باشد». نتیجه اینکه شرکت مدنی ممکن است همیشه با تک شریک ادامه فعالیت بدهد؛ اگر دعوای انحلال اقامه شد، او باید مبادرت به اصلاح وضعیت کند (Lefebvre, 2011-2012, p. 573).

## ۲-۲. موضوع شرکت

«موضوع شرکت» نوع فعالیت شرکت است. موضوع شرکت از مفاهیم اساسی حقوق شرکت‌هاست. بدون موضوع، شرکت وجود ندارد؛ پس سخت‌گیری ماده ۷-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه موجه است: «شرکت با تحقق یا اتمام موضوع پایان می‌یابد» (Paillusseau, 1993, p. 705).

نقش موضوع شرکت برای جداسازی دو شرکت مدنی و تجاری مطرح می‌شود. پاسخ را در حقوق ایران جستجو می‌کنیم. چون قصد داریم شرکت مدنی فرانسه را در حقوق ایران بپذیریم؛ مرزهای شرکت مدنی با شرکت تجاری ایران باید مشخص شود؛ اما در حقوق ایران معیاری صریح در این زمینه وجود ندارد. به باور برخی، باید از معیار ماده ۱ قانون تجارت بهره ببریم. برابر این مقرر «تاجرکسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد»؛ پس موضوع شرکت جدا سازنده دو شرکت تجاری و مدنی است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۲۶-۲۵). ما نیز آن را به عنوان یک اصل می‌پذیریم؛ ولی استثنایی بر آن وارد می‌کنیم و از دایره شمول آن می‌کاهیم؛ پذیرش موضوع شرکت به عنوان ملاک جدایی دو شرکت تجاری و مدنی مانع نمی‌شود که در مواردی شکل شرکت را به عنوان شاخص در نظر بگیریم (ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت). به این ترتیب، مدنی بودن شرکت کاملاً جنبه استثنایی پیدا می‌کند. شرکت‌هایی مدنی هستند که به دلیل موضوع و شکل تجاری نیستند؛ به علاوه اگر فعالیت اصلی شرکت مدنی باشد، انجام فعالیت تجاری ماهیت مدنی شرکت را دگرگون نمی‌کند. عکس این معادله نیز درست است: اگر فعالیت اصلی شرکت تجاری باشد، انجام فعالیت مدنی ماهیت تجاری شرکت را دگرگون نمی‌کند (Lefebvre, 2011-2012, p. 50).

برخی می‌پندارند «اگر شرکت مدنی تشکیل شود که جنبه تجاری نداشته باشد، اجباراً باید به صورت شرکت نسبی درآید؛ زیرا م ۵۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد که هریک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم است، مگر اینکه برای یک یا چند نفر از آن‌ها در مقابل عملی سهمی زیاده‌تر در نظر گرفته شده باشد» (ستوده تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲). دلیل ایشان مدعا را ثابت نمی‌کند؛ تفاوت شرکت مدنی با شرکت تجاری در موضوع شرکت است و نه نسبت تقسیم سود. شرکت مدنی سازماندهی ویژه خود را در قانون مدنی می‌طلبد.

### ۲-۳. سرمایه شرکت

قانون مدنی فرانسه حداقلی از سرمایه شرکت برای شرکت مدنی و نیز مهلتی برای تسلیم سرمایه تعهدشده پیش‌بینی نمی‌کند. هیچ‌چیز مانع از آن نیست که شرکت مدنی فقط بین آورندگان صنعت تشکیل شود و در نتیجه شرکت بدون سرمایه شرکتی باشد (Cozian et al., 2012, p. 625). ممکن است شرکت مدنی فقط از آورندگان اموال یا از آورندگان صنعت تشکیل شود (بند ۱ ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه). یادآوری کنیم آورندگان اخیر در تشکیل سرمایه شرکت نقشی ندارند (بند ۲ ماده ۲-۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه)؛ چون سرمایه شرکت با آورده‌های نقدی و غیرنقدی تشکیل می‌شود، این وضعیت مفسده‌ای برای شرکت ندارد: شرکا در اساسنامه، سهم هر شریک را در منافع و باقیمانده عملیات تصفیه و چگونگی تصمیم‌گیری جمعی را مشخص می‌کنند (Lefebvre, 2011-2012, p. 82). در حقوق ایران، آورده صنعت در تمام شرکت‌های تجاری، از جمله شرکت نسبی به رسمیت شناخته شده است (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۸؛ ستوده تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۹).

### حیات شرکت

در حقوق ایران امکان ایجاد شرکت به مدت نامحدود هست (ماده ۱۲۹ قانون تجارت)؛<sup>۱</sup> اما قانون‌گذار زحمت سازماندهی آن را در این مدت به خود نداده است. در

۱. این مقرر به موجب م ۱۸۹ ق ت بر شرکت نسبی نیز حاکم است.

حقوق فرانسه شرکت‌ها مدت دارند. این مدت از ۹۹ سال بیشتر نیست (ماده ۱۸۳۸ قانون مدنی فرانسه)؛ البته می‌توان شرکت را برای یک یا چند بار تمدید کرد. قانون‌گذار فرانسه شرکت را برای این مدت سازماندهی کرده‌است.

## ۱. شراکت

### ۱-۱. شریک

حق بر اطلاعات، حق رای و کناره‌گیری و مسئولیت شرکای دو شرکت را مقایسه می‌کنیم.

**حق بر اطلاعات و حق رأی:** قانون تجارت به حق شریک شرکت نسبی بر اطلاعات اشاره ندارد. از این سکوت نباید استنباط کرد این حق وجود ندارد؛ در واقع ماده ۱۴۷ قانون تجارت این حق را به صورت آمرانه برای شریک با مسئولیت محدود شرکت مختلط غیر سهامی پیش‌بینی می‌کند؛ بنابراین به طریق اولی شریک با مسئولیت نامحدود شرکت نسبی از این حق برخوردار است (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۱۴۱-۱۴۰، ۱۹۴ و ۱۹۵).

شریک شرکت مدنی حق دارد کمینه سالی یک‌بار دفاتر شرکت را بررسی کند و پرسش‌های مکتوبی در مورد مدیریت بپرسد. شرکا می‌توانند در اساسنامه پیش‌بینی کنند این حقوق بیشتر از سالی یکبار اعمال شوند (ماده ۱۸۵۵ قانون مدنی فرانسه)؛ همچنین او حق دارد از گزارش مدیر، تنظیمی در پایان هر عملیات، آگاهی یابد (ماده ۱۸۵۶ قانون مدنی فرانسه). این گزارش باید عملیات انجام شده یا فعالیت شرکت را در طول سال روشن کند و منافع پیش‌بینی و محقق شده و نیز ضررهای پیش‌بینی و ایجاد شده را مشخص سازد (Cozian et al., 2012, p. 641).

در حقوق فرانسه در مورد شرکت‌های اشخاص روی اصل «هرکس، یک رای» پافشاری و از سیستم «یک سهم، یک رای» پرهیز می‌کنند؛ البته شرکا می‌توانند در اساسنامه به صورت دیگری تصمیم‌گیری کنند؛ ولی از آنجا که حق رای از عنوان شریک جداشدنی نیست، نمی‌توان ملاکی را پذیرفت که شریک را از حق رای محروم کند (Maury, 2000, p.139; Maury, 2009, n° 100)

حق کناره‌گیری: امتیازهای حق کناره‌گیری شریک قابل توجه هستند: این حق به کارکرد شرکت مدنی پویایی می‌دهد. اگر نارضایتی آشتی‌ناپذیر در شرکت اتفاق بیفتد، وجود این حق باعث جلوگیری از انحلال شرکت می‌شود. اگر اقلیت از سیاست حاکم بر شرکت متضرر شوند، با وجود این حق، تضمینی مؤثر می‌یابند: آن‌ها با تمسک بدان از مشکل یافتن جانشین مورد رضایت سایر شرکا معاف می‌شوند. باید این حق را به نفع شریک مستعفی پذیرفت. این حق منبع انعطاف و پویایی در شرکت است.

قانون تجارت ایران حق کناره‌گیری را برای هیچ یک از شرکتهای، از جمله شرکت نسبی به رسمیت نشناخته است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۷). ماده ۱۲۳ قانون تجارت، حاکم بر شرکت نسبی به موجب ماده ۱۸۵ همان قانون، در مقرره‌ای آمره پیش‌بینی می‌کند: «در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکا نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند، مگر به رضایت تمام شرکا». شریکی که می‌خواهد از شرکت کناره‌گیری کند، نمی‌تواند سایر شرکا را مکلف کند که سهم‌الشرکه وی را بخرند. او فقط می‌تواند انحلال شرکت را درخواست کند. حتی انحلال شرکت وقتی ممکن است که شرکا این حق را در اساسنامه از خود سلب و ساقط نکرده باشند و اینکه شریک از آن به هدف ضرر رساندن به شریک دیگر استفاده نکند (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۷).

ما حق کناره‌گیری را با ویژگی آمره برای شرکای شرکتهای اشخاص، از جمله شرکت نسبی پیشنهاد می‌کنیم. هرچند پذیرش این پیشنهاد باعث تبعیض بین این شرکت‌ها و شرکتهای دیگر می‌شود، امری توجیه‌پذیر است: اگر شریک شرکت اشخاص انگیزه فعالیت گروهی را از دست بدهد، شرکت مختل می‌شود.

شریک شرکت مدنی می‌تواند «در شرایط پیش‌بینی شده در اساسنامه یا در صورت نبود مقرره‌ای در آن، با مجوز تمام شرکای دیگر از شرکت کناره‌گیری کند. کناره‌گیری ممکن است در صورت وجود دلایل موجه با تصمیم قضایی صورت پذیرد» (بند ۱ ماده ۱۸۶۹ قانون مدنی فرانسه). شرکای شرکت برای انجام تغییراتی در حق کناره‌گیری در اساسنامه آزادند؛ اما آن‌ها نمی‌توانند این حق آمره را حذف کنند. اگر شرکت، حقوق شرکتی وی را خریداری کند، سرمایه آن کاهش می‌یابد (Cozian et al., 2012, p. )

639). شریک می‌تواند آزادانه سهمش را بگیرد و برود. وی طرح واگذاری را به شرکای دیگر ابلاغ می‌کند. شرکای دیگر ۶ ماه برای خرید سهم وی در اختیار دارند (م ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۴ قانون مدنی فرانسه). این وضعیت بین آزادی هر عضو برای خروج از گروه و احترام به «ملاحظات شخصی» (L'intuitu personae) سازشی ایجاد می‌کند (Catala, 1979, p.3). مشکل ورود خارجی در گروه نیز حل می‌شود.

**مسئولیت:** تکلیف شریک به پرداخت دیون شرکت نسبی نسبت به شخص ثالث نامحدود، مشترک و ثانوی است. (ماده ۱۸۶ قانون تجارت) با وجود این، طلبکار شرکت نسبی در صورتی می‌تواند به شریک مراجعه کند که انحلال شرکت را درخواست کند؛ پس از انحلال شرکت، او می‌تواند به شریک برای درخواست طلب خود مراجعه کند؛ بنابراین مقررات حاکم بر این شرکت در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند: حمایت از شخص ثالث، عدم امنیت وی را در پی دارد؛ چون انحلال شرکت برای ثالث زیانبار است. در نهایت شرط اساسنامه مخالف در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نخواهد بود. این مقررات آمره هستند.

تکلیف شریک به پرداخت دیون شرکت مدنی نسبت به اشخاص ثالث نامحدود، مشترک و ثانوی است: مسئولیت شریک نسبت به دیون شرکت محدود به سهم وی در سرمایه آن نمی‌شود، او با دارایی شخصی خود نیز مسئول پرداخت آن دیون است؛ البته شریک با دارایی شخصی خود به نسبت سهمش در سرمایه شرکت در زمان قابل مطالبه شدن طلب یا در زمان توقف از پرداخت پاسخگوست (بند ۱ م ۱۸۵۷ قانون مدنی فرانسه). برخی از این قاعده دو نتیجه می‌گیرند. نخست اینکه شریکی که پس از ایجاد دین وارد شرکت می‌شود و در زمان قابل مطالبه شدن طلب یا توقف از پرداخت همچنان در شرکت است، ملزم به پرداخت بدهی شرکت است. دوم اینکه شریک حتی پس از واگذاری سهم‌الشکره خود نسبت به دیون شرکت پاسخگوست (Cozian et al., 2012, p. 631-632). او باید تشریفاتی را انجام دهد تا واگذاری سهم‌الشکره نسبت به اشخاص ثالث قابل استناد باشد.

طلبکار شرکت مدنی باید مطالبات خود را بین شرکای آن تقسیم کند. او از هر یک از آنها فقط بخشی از دین را درخواست خواهد کرد. مقدار این سهم به نسبت میزان

مشارکت هر شریک در سرمایه شرکت است. در نهایت طلبکار باید نخست به شرکت اظهارنامه بدهد و آن را تحت تعقیب نیز قرار دهد. اگر به نتیجه نرسید، از هر یک از شرکا طلب خود را درخواست می‌کند (Cozian et al., 2012, p. 633). شرکا نمی‌توانند به صورت دیگری در ارتباط با اشخاص ثالث در اساسنامه پیش‌بینی کنند. چون چنین تکلیفی از عنوان شریک بودن ایشان در این شرکت جداشدنی است (Lefebvre, 2011-2012, p. 466)؛ بنابراین بین تکلیف ثانوی شریک شرکت نسبی و همتای وی در شرکت مدنی در پرداخت دیون شرکتی تفاوت وجود دارد: طلبکار شرکت اخیر در صورتی می‌تواند به شریک مراجعه کند که به شرکت اظهارنامه داده باشد و آن را تحت تعقیب بی‌فایده قرار دهد؛ به علاوه طلبکار شرکت نسبی باید انحلال شرکت را درخواست کند.

## ۲-۱. سهم‌الشرکه

تقسیم منافع و ضرر: قانون تجارت در مورد شرکت نسبی پیش‌بینی نمی‌کند که آیا شرکاء می‌توانند ضرر شرکت را به یک یا چند شریک بیشتر از سهمشان در سرمایه شرکت تحمیل کنند یا خیر. در واقع، برابر ماده ۱۱۹ قانون تجارت، «در شرکت تضامنی، منافع به نسبت سهم‌الشرکه بین شرکا تقسیم می‌شود، مگر اینکه شرکت‌نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد». ماده ۱۲۴ قانون تجارت نیز پیش‌بینی می‌کند: «... در روابط بین شرکا مسئولیت هر یک از آن‌ها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه‌ای خواهد بود که در شرکت گذاشته است؛ آن هم در صورتی که در شرکت‌نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد». به موجب ماده ۱۸۵ قانون تجارت، ماده ۱۱۹ قانون تجارت بر شرکت نسبی اعمال می‌شود. در مورد ماده ۱۲۴ چنین تصریحی وجود ندارد؛ پس به مقررات قانون مدنی مراجعه می‌کنیم؛ اما برابر این مقررات تحمیل ضرر بیش از سهم‌الشرکه به یکی از شرکا ممکن نیست. این تفاوت دو شرکت تضامنی و نسبی، با ویژگی‌های مشترک فراوان، پذیرفتنی نیست (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۱۳۶-۱۳۷؛ ستوده، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲). خاطرنشان می‌کنیم شرکای شرکت مدنی می‌توانند برای یک یا چند شریک نفع یا ضرری که به نسبت سهمشان در سرمایه شرکت نیست، در نظر

بگیرند (ماده ۱-۱۸۴۴ ق م فرانسه).

**ترهین سهم‌الشرکه:** در حقوق ایران نمی‌توان سهم‌الشرکه را در رهن قرارداد. سهم‌الشرکه دین شرکت به شرکاست (ماده ۱۷۷۴ قانون مدنی)؛ زیرا با آوردن یک مال به شرکت، مالکیت از شریک به شرکت واگذار می‌شود و سهم‌الشرکه بین شرکا به نسبت سهام تقسیم می‌شود؛ اما سهم‌الشرکه توقیف‌پذیر است. هرچند طلبکاران شخصی شریک نمی‌توانند طلب خود را از شرکت درخواست کنند (ماده ۱۲۹ قانون تجارت). نتیجه این عملیات این نیست که منتقل‌الیه شریک شرکت شود. بدون رضای شرکا نمی‌توان شخصی را به شرکت تحمیل کرد. در صورت مخالفت شرکا، طلبکاران شخصی شریک می‌توانند انحلال شرکت را بخواهند؛ البته سایر شرکا می‌توانند پیش از اجرایی شدن تصمیم دادگاه با پرداخت طلب طلبکاران به میزان سهم شریک بدهکار یا با کسب رضایت طلبکار از انحلال شرکت جلوگیری کنند (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۱۲۷ و ۱۲۸).

شریک شرکت مدنی می‌تواند سهم‌الشرکه خود را در رهن قرار دهد. برای اینکه ترهین سهم‌الشرکه نسبت به اشخاص ثالث قابل استناد باشد، باید اعلان شود: ترهین به صورت نوشته صورت می‌پذیرد؛ سپس ثبت و به شرکت اخطار می‌شود (ماده ۱۸۶۷ قانون مدنی فرانسه). اگر مدیون در سررسید طلب خود را دریافت نکند، می‌تواند سهم‌الشرکه را در مزایده بفروشد؛ اما مشکل در این است که خریدار سهم‌الشرکه باید برای ورود به شرکت موافقت سایر شرکا را بگیرد. قانون مدنی فرانسه راهکار می‌دهد: شریک مدیون می‌تواند موافقت شرکای همکار را در زمان ترهین در همان شرایط مقرر برای واگذاری سهام بگیرد؛ البته شرطی وجود دارد که برابر آن باید پروژه واگذاری یک ماه پیش از آن به شرکت و شرکا اعلام شود؛ با وجود این، هر یک از شرکا حتی تا ۵ روز پس از زمان واگذاری نیز می‌تواند جانشین منتقل‌الیه شود. اگر شریکی حاضر به خرید سهم‌الشرکه نشود، شرکت می‌تواند سهم‌الشرکه را با هدف ابطال آن بخرد (ماده ۱۸۶۸ قانون مدنی فرانسه).

۱. این مقرر به موجب م ۱۸۹ ق ت بر شرکت نسبی نیز حاکم است.

واگذاری سهام: در شرکت نسبی ملاحظات شخصی بسیار قوی حاکم است؛ بنابراین سخنگیری ماده ۱۲۳ قانون تجارت موجه است: «در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند، مگر به رضایت تمام شرکاء». این مقرر به موجب ماده ۱۸۵ همان قانون به شرکت نسبی اعمال می‌شود. از آنجا که این مقرر عام و آمره است، حتی اگر منتقل الیه از اجداد، اولاد یا شریک همکار باشد، باز هم موافقت تمام شرکا ضروری است و ایشان نمی‌توانند از این مقرر سرپیچی کنند (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۱۷۹ و ۲۰۵)؛ پس اگر شرکای همکار با واگذاری سهم مخالفت کنند، شریک شرکت نسبی زندانی عنوان خود می‌شود.

شرکای همکار شرکت مدنی باید با واگذاری سهم‌الشرکه شریک به دیگری موافقت کنند. ملاحظات شخصی بر این شرکت حاکم است؛ بنابراین اصل مندرج در بند ۱ ماده ۱۸۶۱ قانون مدنی فرانسه موجه است: «سهم‌الشرکه شریک واگذار نمی‌شود، مگر با موافقت همه شرکا». این اصل یک استثنای مهم دارد: برابر بند ۲ همین ماده، «واگذاری به اولاد و به اجداد موافقت شرکا را لازم ندارد»؛ بنابراین واگذاری سهام به یک یا چند شریک همکار و نیز همسر شریک واگذارکننده موافقت شرکاء را لازم دارد؛ البته این مقررات آمره نیستند و اساسنامه می‌تواند به صورت دیگری پیش‌بینی کند (Cozian et al., 2012, p. 635-636). در صورت مخالفت شرکاء وضعیت پیچیده می‌شود (ماده ۱۸۶۲ قانون مدنی فرانسه)؛ البته یک اصل مسلم است: شریک شرکت مدنی هیچ‌گاه زندانی عنوان خود نیست. در صورت مخالفت، نخست خرید سهم‌الشرکه به شرکای همکار پیشنهاد می‌شود. اگر شریکی آن را نپذیرد، شرکت باید یکی از این موارد را انتخاب کند: یا شخص ثالثی را ترغیب کند که سهم‌الشرکه را با اجماع سایر شرکا یا برابر مقررات اساسنامه خریداری کند یا اینکه خود سهم‌الشرکه را برای ابطال بخرد (ماده ۴-۱۸۴۳ قانون مدنی فرانسه؛ Cozian et al., 2012, p. 636).

اگر شریک شرکت نسبی فوت کند، سهم‌الشرکه وی به وراثت منتقل نمی‌شود؛ در این صورت باید عنوان شریک فوت شده و ارزش مالی سهم‌الشرکه وی را از یکدیگر جدا ساخت. به موجب مقررات آمره اثر ارزش مالی سهم‌الشرکه به صورت قهری به ورثه وی منتقل می‌شود؛ اما عنوان شریک متوفی به وراثت داده نمی‌شود. در این

صورت، شرکت نسبی منحل می‌شود؛ با وجود این، اگر شرکا ادامه شرکت را با وراثت شریک متوفی بپذیرند، شرکت از انحلال نجات می‌یابد. این تصمیم موافقت تمام وراثت شریک متوفی را لازم دارد. در حقوق شرکت‌ها این راهکار قابل انتقاد است: سرنوشت شرکت به اراده وراثت خارج از شرکت واگذار شده‌است. این مقررات آمره هستند و شرکا نمی‌توانند پیش از بروز حادثه در مورد سرنوشت شرکت در صورت فوت شریک تصمیم بگیرند (مواد ۱۳۶، ۱۳۹ و ۱۸۹ قانون تجارت؛ اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۱۸۰-۱۷۹ و ۲۰۵ به بعد).

در حقوق فرانسه شرکا می‌توانند در اساسنامه تصمیم بگیرند که شرکت با یک یا چند وارث یا با شرکای باقیمانده ادامه یابد. اگر شریک شرکت مدنی فرانسوی فوت کند، سهام وی به وراثت یا موصی‌له واگذار می‌شود (بند ۱ ماده ۱۸۷۰ قانون مدنی فرانسه) و شرکت به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این قاعده تکمیلی است و شرکا می‌توانند در اساسنامه تصمیم بگیرند که واگذاری سهم‌الشرکه به وراثت یا موصی‌له نیز منوط به موافقت ایشان باشد یا اینکه شرکت با شرکای موجود، همسر شریک متوفی، یک یا چند نفر از وارث یا اشخاص دیگر تعیین شده به موجب اساسنامه یا وصیت‌نامه ادامه یابد. سهم‌الشرکه در سهم اختصاصی وراثت مد نظر قرار می‌گیرد و لازم نیست ایشان منتظر تقسیم و تعیین سهم اختصاصی خود باشند؛ پس سهم‌الشرکه از اشاعه ناشی از ارث مستثنی می‌شود و قیمت آن در روز فوت محاسبه و با سایر وراثت تسویه حساب صورت می‌پذیرد. دارندگان جدید سهم‌الشرکه یا شرکت (اگر شرکت آن را به منظور ابطال خریداری کند) قیمت سهم‌الشرکه را می‌پردازند (ماده ۱-۱۸۷۰ قانون مدنی فرانسه؛ Cozian et al., 2012, p. 638-639).

## ۲. مدیریت

مجمع عمومی در زمینه تصمیمات جمعی صلاحیت اصلی را دارد. مجمع ماموریت دارد که تمام تصمیمات فراتر از اختیارات مدیران را بگیرد؛ بنابراین صلاحیت مدیران را بررسی می‌کنیم تا تکلیف مجمع عمومی روشن شود.

## ۲-۱. سازماندهی

تعیین مدیری برای شرکت نسبی ضروری است. قانون تجارت حاکمیت اراده را در انتخاب مدیر می‌پذیرد: یک شریک یا غیرشریک، یک شخص حقیقی یا شخص حقوقی. محدودیتی برای تعداد مدیران نیز نیست. اصولاً شرکا مدیر یا مدیران را به اتفاق آراء تعیین می‌کنند، مگر اینکه شرکا نسبت به اکثریتی در این خصوص به توافق برسند. مدیر برای مدت حیات شرکت تعیین می‌شود، مگر اینکه به صورت دیگری توافق شود. عزل مدیر یا مدیران با اجماع شرکا، مگر اینکه به صورت دیگری توافق شده باشد یا بر اساس تصمیم قضایی به دلیل موجه به عمل می‌آید. عزل وی انحلال شرکت را در پی ندارد. مدیر معزول بدون دلیل موجه می‌تواند با استناد به قواعد عام مسئولیت مدنی خسارت بگیرد.

اگر شرکا مدیر را تعیین نکرده باشند، قانون تجارت ایران راهکار ارائه نمی‌دهد. در قانون مدنی نیز مقرره‌ای وجود ندارد. این هم نمونه دیگر نشان‌دهنده اینکه مقررات قانون مدنی، پاسخگوی شرکت نیست. برابر مقررات قانون مدنی در باب معامله فضولی باید گفت شرکت نسبی از شخصیت حقوقی بهره‌مند است و اگر یک شریک بدون داشتن اختیار از طرف شرکت عمل کند، عمل فضولی است. این عمل باطل است. اگر شرکت آن را رد کند، شریکی که بدون مجوز عمل کرده است، در مقابل طرف قرارداد و شرکای دیگر مسئول است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۴۲-۴۱). قانون تجارت چگونگی تصمیم‌گیری را برای تنفیذ مشخص نمی‌کند؛ پس تأیید تمام شرکا ضروری است. این روش مدیریت با توجه به ویژگی‌های شرکت نسبی درست نیست؛ عدم تعیین مدیر پیامدهای زیانباری برای ثالث دارد (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۱۸۵ و ۲۰۵ به بعد).

هر چند در شرکت مدنی قاعده اجماع شرکاء برای اتخاذ تصمیمات به عنوان یک اصل پذیرفته شده است (م ۱۸۵۲ قانون مدنی فرانسه)، برعهده شرکاست که یک یا چند مدیر تعیین کنند. شرکا برای سازماندهی مدیریت از آزادی گسترده‌ای برخوردار هستند. اختیار ایشان در تعیین مدیر و حقوق و تکالیف وی زیاد است (Cozian et al., 2012, p. 629). شرکا می‌توانند یک یا چند مدیر تعیین کنند (بند ۱ م ۱۸۴۶ قانون

مدنی فرانسه). تمام شرکا نیز می‌توانند مدیر باشند (Cozian et al., 2012, p. 632). شرکا می‌توانند مدیر یا مدیران را از میان شرکا، اشخاص ثالث (بند ۱ ماده ۱۸۴۶ قانون مدنی فرانسه) و اشخاص حقیقی یا حقوقی تعیین کنند (ماده ۱۸۴۷ قانون مدنی فرانسه). اگر شرکت مدیر نداشته باشد، هر شریک می‌تواند از دادگاه بخواهد شخصی را با ماموریت دعوت شرکا جهت تعیین مدیر منصوب کند.

## ۲-۲. اختیارات

روابط مدیر شرکت نسبی را با شرکا و اشخاص ثالث متمایز می‌کنیم. برابر ماده ۵۱ قانون تجارت، «مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد»؛ در نتیجه اختیارات مدیر در محدوده اساسنامه (وکالتنامه) است. اگر حدود اختیارات در اساسنامه نیامده باشد، باید برای شناخت اختیارات مدیر یک شرکت تجاری به مقررات عام قانون مدنی مراجعه کرد؛ بنابراین موارد ذیل درباره مدیر صادق است:

- اصولاً همه اختیارات لازم را برای مدیریت شرکت دارد. باید مواردی را از اختیارات مدیر دانست که در راستای منفعت شرکت است.
- مکلف است که در اعمال خود محدوده مجوز و مصلحت شرکا را رعایت کند (ماده ۶۶۷ قانون تجارت؛ ستوده تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۸)،
- نمی‌تواند به تنهایی عمل کند، اگر اداره شرکت به مدیران دیگر نیز محول و تصریح شده باشد که همگی باهم اقدام می‌کنند و یا تصریح نشده باشد که به تنهایی یا باهم اقدام کنند (ماده ۶۶۹ قانون مدنی ایران؛ اسکینی، ج ۱، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷).
- در برابر اشخاص ثالث در شرایطی که مقررهای ویژه در موضوع وجود ندارد، باز باید به ماده ۵۱ قانون تجارت رجوع کرد؛<sup>۱</sup> بنابراین اشخاص ثالث که قراردادی با مدیر امضا می‌کنند، همیشه حق دارند به شرکا مراجعه کنند. این پیامد با ماهیت شرکتی دارای شخصیت حقوقی سازگار نیست. به دلیل وجود همین شخصیت حقوقی است که ماده

۱. با این وضعیت مشخص نیست که اگر بین منافع شرکت و شرکا تضادی پیدا شود، وکیل از کدامیک باید حمایت کند (ر.ک: حسن ستوده تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶)

۱۲۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «مادام که شرکت تضامنی منحل نشده، مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید...». با این مقررات امنیت شخص ثالث آسیب می‌پذیرد. برابرماده ۵۱ قانون تجارت، ایشان در صورت تحمل ضرر می‌توانند علیه شرکا (موکلان) اقدام کنند؛ اما برابر ماده ۱۲۴ همان قانون آن‌ها نمی‌توانند در مقابل شرکا اقدام کنند، مگر اینکه شرکت منحل شود. سوای این وضعیت که ریشه در تقنینی نادرست دارد، عیب بزرگ دیگری برای اشخاص ثالث از عنوان «وکالت مدیر» به وجود می‌آید: هر بار که ایشان قراردادی با مدیر منعقد می‌کنند، باید برای آگاهی از حدود اختیارات وی به اساسنامه رجوع کنند تا بتوانند روی تعهد شرکت حساب کنند.

برای شناخت اختیارات مدیر شرکت مدنی نیز روابط وی با شرکا را از اشخاص ثالث متمایز می‌کنیم. اساسنامه اختیارات مدیر را در رابطه با شرکا مشخص می‌کند (ماده ۱۸۴۸ ق فرانسه). اگر اساسنامه آن‌ها را مشخص نکرده باشد، مدیر می‌تواند تمام اعمال مدیریتی شرکت را در راستای منفعت آن انجام دهد. اعمال مدیر شرکت که در محدوده موضوع شرکت قرار می‌گیرد، شرکت را در مقابل اشخاص ثالث متعهد می‌کنند؛ بدون آن‌که شرط محدودکننده اختیاراتش در مقابل ایشان قابل استناد باشد (ماده ۱۸۴۹ قانون مدنی فرانسه)؛ هرچند که این اشخاص ثالث نسبت به وجود شرط آگاهی داشته باشند. معیار ارزیابی مشروعیت عمل مدیر به خودی خود مشکلات معیار ذهنی «اذن»، موجود در اشاعه حقوق ایران را مشخص می‌کند.

حق شخص ثالث است که مدیری را که با او قرارداد منعقد می‌کند به عنوان شخصی مجاز تلقی کند. ماده ۱۸۴۹ قانون مدنی ف مقرر می‌کند: «در روابط با اشخاص ثالث مدیر شرکت را با اعمالی که در محدوده موضوع شرکت است متعهد می‌سازد و شروط اساسنامه‌ای محدودکننده اختیارات مدیر در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیستند». این مقرر می‌افزاید: «این مدیران هر یک به تنهایی دارای اختیارات پیش‌بینی شده در بند پیشین هستند. مخالفت یک مدیر از عمل مدیر دیگر تأثیری در برابر اشخاص ثالث ندارد، مگر اینکه ثابت شود شخص ثالث از این مخالفت آگاهی داشته است». همچنین شرط اساسنامه‌ای که اختیارات را بین مدیران تقسیم می‌کند، نسبت به اشخاص ثالث قابل استناد نیست (Cozian et al., 2012, p. 630). به

شرکای شرکت مدنی توصیه می‌شود که موضوع شرکت را محدود تعریف کنند، وگرنه ممکن است بهای سنگینی بپردازند.

### ۲-۳. مسئولیت

قانون تجارت ایران نصی در مورد مسئولیت مدیران شرکت نسبی ندارد؛ بنابراین باید به حقوق عام مسئولیت مدنی مراجعه کرد. برابر این مقررات اگر مدیر در اجرای تکالیف و با اقدام در محدوده اختیاراتش در شرکت باعث خساراتی به اشخاص ثالث شود، در برابر ایشان مسئول است. اگر مدیر باعث ضرر به شرکت شود، شرکت می‌تواند خسارت را از مدیر درخواست کند؛ در این صورت تمام شرکا باید در دادگاه اقامه دعوی کنند. در صورت به توافق نرسیدن شرکا یک یا چندین نفر آن‌ها نمی‌توانند برای درخواست خسارت علیه مدیر مقصر اقدام کند (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۳)؛ پس سرمایه شرکت مصون از تقصیر مدیری نیست که در سمت خود باقی مانده است.

در حقوق فرانسه مدیر به دلایلی در برابر شریک، شرکت و اشخاص ثالث مسئول است (بند ۱ م ۱۸۵۰ قانون مدنی فرانسه): یک سرپیچی از مقررات و اساسنامه، دو- قصور در مدیریت. میزان «منفعت شرکت» است: رفتار مدیری که با منفعت شرکت همخوانی ندارد تقصیر محسوب می‌شود. شریک می‌تواند برای ضرر وارد به خود و شرکت علیه مدیر اقامه دعوی کند. اگر شرکت ضرری را تحمل کند، اصولاً مدیران شرکت هستند که به عنوان نمایندگان شخص حقوقی در دادگاه اقامه دعوی می‌کنند. حال اگر مدیران شرکت خود مرتکب تقصیر شوند و ضرری به شرکت وارد کنند و در قدرت باقی بمانند، شریک می‌تواند با توسل به «دعوی یک شریک به نام و برای شرکت» (L'action ut singuli) این خسارت را درخواست کند (ماده ۱۸۴۳-۵ قانون مدنی فرانسه؛ Cozian et al., 2012, pp. 172-173 et 175).

### پایان شرکت

ممکن است قرارداد شرکت باطل باشد. اصطلاح «انحلال» درباره شرکت، شخصیت حقوقی، مطرح می‌شود.

## ۱. بطلان

در حقوق ایران بطلان بر پایه رژیم ویژه قرارداد شرکت و رژیم عام قراردادها صورت می‌پذیرد؛ برای نمونه اگر تمام آورده‌های نقدی شرکای شرکت نسبی تسلیم نشود یا اگر تمام آورده غیرنقدی ارزیابی یا تسلیم نشود، شرکت نسبی باطل است؛ به علاوه شرط شیری باطل و مبطل شرکت است. چون خلاف مقتضای عقد شرکت است (ماده ۲۳۳ قانون مدنی)؛<sup>۱</sup> به موجب قرارداد شرکت طرفین «قصد شریک‌شدن و نیز سهیم شدن در نفع و ضرر فعالیت مشترک را دارند» (Cass. 1er civ., 1995)؛ اما با شرط شیری به شریکی «تمام منافع شرکت» تعلق می‌یابد، شریکی «از تمام ضررهای شرکت» معاف می‌شود، به او «اصلاً منفعتی» داده نمی‌شود یا اینکه «تمام ضررها بر وی تحمیل می‌شود» (بند ۲ ماده ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه).

۲۹

حقوق اسلامی / مقایسه تطبیقی شرکت نسبی در حقوق ایران با شرکت مدنی در:

آثار بطلان شرکت نیز مشمول حقوق عام قراردادهاست. این بطلان به اجرای قرارداد شرکت پایان می‌دهد و اثر قهقرایی دارد. این وضعیت برای اشخاص ثالث با حسن نیت که قراردادهایی را با شرکت منعقد کرده‌اند زیانبار است. در حقوق شرکت‌ها مقررات در موضوع بطلان باید با حقوق عام متفاوت باشند. اهمیت موضوع از این جهت دوچندان می‌شود که اشخاص ثالث نمی‌توانند از مقررات ماده ۲۲۰ قانون تجارت نیز بهره‌برند. موضوع این مقرره «شرکت مخفی» است؛ در حالی که شرکت باطلی که مدتی به فعالیت می‌پردازد، «شرکت عملی» است. این دو مفهوم یکسان نیستند. شرکت عملی نهادی است باطل که مدتی فعال بوده‌است. بحث بطلان در مورد شرکت مخفی مطرح نیست. نهادی است که اشخاص درگیر در آن مانند شرکا رفتار می‌کنند.

در حقوق فرانسه ایجاد شخصیت حقوقی شرکت‌های مدنی به عموم اعلام می‌شود. برای اینکه این «ظهور» به‌آسانی از بین نرود، قانون‌گذار اسباب بطلان قرارداد شرکت را در موضوع تصریح و موارد آن را محدود می‌کند. تقویت امنیت اشخاص ثالث پیامد این وضعیت است. قانون‌گذار فرانسوی اسباب ابطال را کاهش می‌دهد، موانع بر سر راه

۱. در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد (برای نمونه ر.ک: ستوده‌تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳).

دعوای بطلان را بیشتر و آثار آن را کمتر می‌کند (Corlay, 1981, p. 246).

نخست اینکه بند ۱ ماده ۱۰-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه اسباب ابطال شرکت را فقط به دو دسته محدود می‌کند:

الف. ابطال بر پایه رژیم خاص قرارداد شرکت. یعنی ابطال در صورت متعدد نبودن شرکا، نبود آورده، سهم نشدن در نتیجه حاصل از شرکت (نفع یا زیان)، نبود قصد شریک شدن (م ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه)، نامشروع بودن موضوع شرکت، نبود منفعت مشترک شرکا و نبود شرایط لازم برای عضویت دو زوج در یک شرکت (رک ماده ۱۸۳۳ قانون مدنی فرانسه)؛

ب. ابطال بر پایه رژیم عام قراردادها (مواد ۱۱۰۸ تا ۱۱۱۸ قانون مدنی فرانسه)؛ به این ترتیب قانون‌گذار فرانسوی اسباب بطلان شرکت را تصریح و محدود می‌کند. از یک طرف این اسباب ماهوی هستند. زیرا گذاشتن شرط شکلی، بطلان شرکت را به همراه ندارد؛ از طرف دیگر او هرگونه ابهام را در این زمینه برداشته است؛ چرا که فقط به مقررات آمره عنوان چهارم قانون مدنی اشاره می‌کند؛ بنابراین سرپیچی از سایر مقررات آمره حقوق شرکت‌ها بطلان قرارداد شرکت را در پی ندارد و مقررات اساسنامه‌ای مخالف آن‌ها کان‌لم‌یکن تلقی می‌شوند (بند ۲ ماده ۱۰-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه؛ Corlay, 1981, p. 247).

دوم اینکه برابر ماده ۱۱-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه «اگر سبب بطلان زمان تصمیم‌گیری دادگاه بدوی در خصوص ماهیت دعوی از بین رفته باشد، دعوای بطلان رد می‌شود». استثناء موردی است «که دعوای بطلان به دلیل نامشروع بودن موضوع شرکت باشد». ارزش این مقرره هنگامی بیشتر نمایان می‌شود که قانون‌گذار راهکارهای زیادی برای از بین بردن سبب بطلان در نظر می‌گیرد. نخست - مهلتی حداقل دو ماهه بین تاریخ احضار و تصمیم‌گیری دادگاه در نظر گرفته است. او حتی پیش‌بینی می‌کند که دادگاه «می‌تواند راساً مهلتی برای از بین بردن سبب بطلان تعیین کند» (بند ۱ ماده ۱۳-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه). دوم - پیش‌بینی می‌کند که هر ذی‌نفعی می‌تواند از خواهان بخواهد که ظرف شش ماه وضعیت پیش‌آمده را اصلاح یا اینکه نسبت به ابطال اقدام کند. این راهکار فقط در موردی کاربرد دارد که دعوی بطلان به جهت عیب

رضایت یا عدم اهلیت شریک مطرح باشد و امکان اصلاح وضعیت باشد. ۱. اگر اصلاح انجام شد، دعوای بطلان مختومه اعلام می‌شود؛ اما اگر ذی‌نفع تصمیم گرفت که نسبت به بطلان اقدام کند، شرکت یا هر یک از شرکا می‌تواند تمام تدابیر از بین برنده نفع خواهان در دعوی بطلان را برای دادگاه مطرح کند. خرید حقوق شرکتی خواهان از این تدابیر است؛ در این صورت دادگاه حق انتخاب دارد: یا بطلان را اعلام یا تدابیر پیشنهادشده را الزام‌آور کند؛ بنابراین هرچند اصلاحی صورت پذیرفته باشد، قاضی مکلف به صدور رای بطلان نیست (Corlay, 1981, pp. 248-249).

در نهایت اگر با وجود تمام این تدابیر بطلان اعلام شود، آثارش به صورت قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته‌است. ماده ۱۵-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌کند: «بطلان بدون اینکه عطف به ماسبق شود، به اجرای قرارداد شرکت پایان می‌بخشد. تاثیر بطلان نسبت به شخص حقوقی که قرار بود ایجاد شود، همان تاثیر انحلال اعلام شده توسط دادگاه است». درس این مقرر روشن است: باید نسبت به شرکتی که باطل اعلام می‌شود، مانند شرکتی که به صورت قانونی تشکیل و سپس منحل می‌شود، به عملیات تصفیه مبادرت کرد. ماده ۱۶-۱۸۴۴ همان قانون شبیه‌سازی بطلال و انحلال را به این صورت کامل می‌کند: «شرکت و شرکا نمی‌توانند از بطلان در برابر شخص ثالث با حسن نیت بهره ببرند»؛ البته اگر بطلان به دلیل نبود اهلیت یا یکی از عیوب رضایت صورت پذیرفته باشد، راهکار اخیر کاربرد ندارد (ماده ۱۶-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه). این شرکا می‌توانند آورده خود را بگیرند و شرکت را ترک کنند (Corlay, 1981, p. 249).

## ۲. انحلال

شرکت نسبی در فروض ذیل منحل می‌شود: فوت یک شریک، عدم اهلیت یکی از شرکا (در این دو مورد شرکت به صورت خودکار منحل می‌شود)، ورشکستگی شخصی یکی از شرکا، اگر شریک ورشکسته تاجر باشد و امکان پرداخت دیون خود را نداشته باشد، به دلیل افلاس یکی از شرکای غیرتاجر که در وضعیت عدم امکان

۱. یعنی عدم اهلیت پایان پذیرد و عیب رضا از بین برود.

پرداخت دیون خود است (اسکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۱۶۰-۱۵۸)؛ البته در مواردی از قبیل اجتماع سهم‌الشرکه در دست یک شریک، پافشاری شریک بر کناره‌گیری و خواست طلبکار برای رجوع به شریک در رابطه با دیون شرکت نیز امکان انحلال شرکت نسبی هست؛ پس توسل به انحلال در شرکت نسبی فراوان است.

شرکت مدنی، علاوه بر اسباب مشترک انحلال تمام شرکت‌ها، به ویژه سبب نارضایتی، با غیبت بیش از یک سال مدیر نیز منحل می‌شود (ماده ۱۸۴۶۱ قانون مدنی فرانسه)؛ با وجود این، فوت شریک باعث انحلال خودکار این شرکت نمی‌شود؛ به علاوه اگر یکی از شرکای این شرکت مفلس یا ورشکسته شود، به تسویه حقوق شرکتی وی مبادرت می‌شود؛ هرچند این شراکت عنوان خود را از دست می‌دهد، اما شرکت به صورت خودکار منحل نمی‌شود و ممکن است اساسنامه یا شرکای دیگر با اجماع انحلال را پیش‌بینی کنند (ماده ۱۸۶۰ قانون مدنی فرانسه). در نهایت ممکن است دادگاه انحلال شرکت را پیش از مدت زمان توافق شده، به درخواست یکی از شرکا اعلام کند. منتهی چنین تقاضایی باید مستند به دلایل موجه باشد (ماده ۱۸۴۴-۷-۵ قانون مدنی فرانسه).

## نتیجه‌گیری

ارکان تعریف شرکت مدنی و شرکت تجاری یکسان هستند؛ پس نمی‌توان اشاعه را شرکت مدنی دانست یا حتی این شرکت را بر پایه آن استوار ساخت. پذیرش هر شرکتی مستلزم ایجاد مفهوم شرکت است. ره‌آورد ارزشمند این اقدام جلوگیری از غافلگیری شخص ثالث با نهاد اشاعه است. اهمیت امنیت وی به‌حدی است که قانون‌گذار ایران باید در وضع مقررات، آن را نقطه پرگار خود قرار دهد و نگران شکستن قالب‌های سنتی حقوق قراردادهای نباشد. حلقه مفقوده مقررات ایرانی حاکم بر قرارداد شرکت، از انعقاد تا بطلان و شخصیت حقوقی، از ایجاد تا انحلال نیز همین است. حق شخص ثالث است که بر پایه «ظهور» به وجود شرکتی اعتماد کند. برای تضمین این حق مشروع باید کاهش موارد بطلان قرارداد شرکت و حذف اثر قهقرای آن، علنی شدن زمان ایجاد شخصیت حقوقی، کاهش اسباب انحلال شرکت و به کارگیری معیارهای عینی در دستورکار قرار گیرد.

## منابع و مؤاخذ

۱. اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری؛ ج ۱، چ ۱۱، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۲. پاسبان، محمدرضا؛ حقوق شرکت‌های تجاری؛ تهران: سمت، ۱۳۹۵.
۳. ستوده‌تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت؛ ج ۱، تهران: دادگستر، ۱۳۸۲.
۴. سیدی آرانی، سیدعباس؛ «اختلاط بین مفهوم اشاعه و شرکت در قانون مدنی ایران»؛ تحقیقات حقوقی شهید بهشتی تهران، ش ۶۶، ۱۳۹۲.
۵. عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت؛ ج ۴، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳.
۶. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی: عقود معین، مشارکت‌ها، صلح؛ ج ۲، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶.
۷. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی: مشارکت‌ها، صلح، عطایا؛ تهران: گنج دانش، ۱۳۷۳.
۸. کاشانی، سیدمحمود؛ قراردادهای ویژه؛ ج ۱، تهران: میزان، ۱۳۸۸.
9. Cass. 1er civ., 18 juillet 1995, n° 93- 19449, Bull. civ. I, n° 320.
10. Cass. 1er civ., 20 janvier 2010, n° 08-13200, Bull. civ. I, n° 11  
Catala (P.), "L'indivision", Defrénois 1979, art. 31874 .
11. CE, 13 mars 1998, RDF 1998, n° 26, comm. 588, concl. F. Loloum, obs. F. Deboissy.
12. Corlay, P.; "La protection des tiers dans le nouveau droit commun des sociétés civiles"; **RTD**, 1981.
13. Cozian, M., A. Viandier and F. Deboissy; **Droit Des Sociétés**, 25e édition, Paris: LexisNexis, 2012.
14. Deboissy, F. and G. Wicker; "La distinction de l'indivision et de la société et ses enjeux fiscaux"; **RTD civ.**, 2000.
15. Lamboley, A.; "Sociétés civiles professionnelles. Relations

- internes et relations externes"; **J-CI Sociétés traité**, Fasc. 191-11, 2007.
16. Lefebvre, F.; **Mémento Pratique. Sociétés civiles**; Paris: Levallois-Perret: F. Lefebvre, 2011-2012.
17. Guillien, R., J. Vincent, S. Guinchard et G. Montagnier; **Lexique des termes juridiques**; 16e édition, Paris: Dalloz, 2007.
18. Maury, F., **L'exercice, sous la forme d'une société, d'une profession libérale réglementée**; Aix-en-Provence: Presses universitaires d'Aix-Marseille, 2000.
19. **Maury, F.; Sociétés civiles professionnelles**; Rép. Sociétés Dalloz, 2009 .
20. Cannu, P. Le et B. Dondero; **Droit des sociétés**; 4e édition, Paris: Lextenso, 2012.
21. Paillusseau, J.; "Le droit moderne de la personnalité morale"; **RTD Civ.: Revue trimestrielle de droit civil**, Dalloz, 1993.